

حجیت خبر واحد ثقه در تفسیر قرآن کریم از دیدگاه آیت الله معرفت

فاطمه بدری پور^۱، محمدمهدی کریمی نیا^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته تفسیر و علوم قرآنی، از حوزه علمیه امام خمینی، بندر امام خمینی

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم، استان قم، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، ایران، مدرس گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی قم

چکیده

یکی از مباحث پر مناقشه و اختلافی نزد علما، حجیت خبر واحد به طور مطلق است. برخی از علما فقط آن را در فقه حجت دانسته، برخی آن را هم در فقه و هم در تفسیر حجت می دانند و برخی نیز آن را به طور کلی رد نموده و حجت نمی دانند. در این میان، آیت الله معرفت نظر متفاوتی داشته و معتقد است اگر خبر واحد ثقه را در تفسیر کنار بگذاریم از همه بیانات معصومین (ع) و بزرگان صحابه و تابعین محروم می مانیم. بنابراین ایشان خبر واحد ثقه را هم در فقه و هم در تفسیر حجت دانسته و دلیل آن را سیره عقلا می داند که از جانب معصوم (ع) تایید شده است. ایشان با اینکه خبر واحد ثقه را حجت دانسته، ولی در بسیاری مواقع روایاتی را رد و کنار می گذارد و به این معنا نیست که همه روایات ثقه را به صورت بالفعل بپذیرد.

واژه‌های کلیدی: حجیت، خبر واحد، ثقه، تفسیر، فقه، آیت الله معرفت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه:

یکی از مباحث مهم و تأثیرگذار در عرصه‌های مختلف علوم دینی حجیت خبر واحد است. علما و صاحب‌نظران دیدگاه‌های مختلفی در باره حجیت خبر واحد دارند. برخی آن را به طور مطلق حجت نمی‌دانند؛ یعنی چه در فقه باشد چه در تفسیر. برخی نیز فقط آن را در فقه حجت دانسته و به آن ترتیب اثر داده‌اند و برخی نیز آن را به طور مطلق، چه در تفسیر و چه در فقه حجت می‌دانند. برآنیم دیدگاه آیت الله معرفت را در باره حجیت خبر واحد بررسی کنیم. آیا آیت الله معرفت خبر واحد را در تفسیر حجت می‌داند؟ دلیل ایشان برای حجیت خبر واحد چیست؟ آیا ایشان همه روایات اخبار آحاد را پذیرفته است یا خیر؟ در این فصل به پرسش‌های مطرح شده پاسخ داده می‌شود.

۱. اعتبار روایات متواتر از نظر آیت الله معرفت**۱-۱. تعریف خبر متواتر از دیدگاه آیت الله معرفت**

آیت الله معرفت معتقد است که خبر متواتر آن است که در تمام طبقات، روایات آن به حدی زیاد باشند که اطمینان به صدور آن از معصوم حاصل شود و احتمال تبانی و اجتماع آنها بر دروغگویی وجود نداشته باشد. (رضایی اصفهانی، بی تا: ص ۱۷۶)

۱-۲. نظر آیت الله معرفت درباره روایات متواتر

آیت الله معرفت می‌فرماید: «هیچ شکی نیست که احادیث پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام) هنگامی که به صورت متواتر به دست ما برسد، منابع فقه و تفسیر به شمار می‌آید. (معرفت، ۱۳۸۷ش، ج ۱/ص ۱۲۲) و از آنجا که خبر متواتر علم آور است، عمل به محتوای آن واجب می‌شود و تفسیر قرآن بر طبق آن لازم است». (معرفت، ۱۳۸۷ش، ج ۱/ص ۲۲۹-۲۲۸؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱/ص ۴۳؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱/ص ۳۳۶، ۱۱۰، ۷۹، ج ۲/ص ۶۶۵)

۲. اعتبار روایات محفوف به قرائن از نظر آیت الله معرفت

آیت الله معرفت معتقد است روایات غیرمتواتر مانند خبر متظافر و خبر واحد اگر همراه قرائن باشد، موجب علم می‌شود و این‌گونه اخبار ملحق به خبر متواتر می‌شوند که عمل بر طبق آن واجب است زیرا موجب علم می‌شود. (همان)

۲-۱. قرائن و نشانه‌های علم به صدور خبر

۱. روایت مطابق دلایل عقلی و مقتضای آن باشد.
۲. روایت مطابق ظاهر قرآن باشد.
۳. روایت مطابق سنت قطعی باشد.
۴. روایت مطابق اجماع مسلمانان یا اجماع علمای شیعه باشد. (رضایی اصفهانی، بی تا، ص ۱۷۷ - ۱۷۶)

۳. اعتبار خبر واحد در نگاه عالمان شیعه

علمای اصول «خبر واحد» را به دو گونه تقسیم کرده‌اند:

- الف) خبر واحد همراه نشانه و شاهی که پیدایش علم و یقین را به دنبال دارد یعنی خبر واحد محفوف به قرینه.
- ب) خبر واحد فاقد نشانه علم‌آور.

دسته اول مانند خبر متواتر حجت است و جای هیچ تردید نیست، ولی اعتبار دسته دوم مورد بحث است. دیدگاه‌های اصولیان در این زمینه از این قرارند:

۳-۱. بی‌اعتبار بودن خبر واحد به طور مطلق (هم در فقه و هم در تفسیر)

سید مرتضی، ابن‌زهره، طبرسی، ابن‌ادریس از باورمندان به این نظریه بودند. طبق این نظر خبر واحد مانند قیاس اعتباری ندارد و نه در احکام فقهی و نه تفسیر نمی‌توان از آن بهره گرفت. ایرادات زیادی از سوی علما بر این نظریه وارد شده است.

۳-۲. اعتبار و حجیت خبر واحد فقط در احکام فقهی

مرحوم شیخ طوسی از پیشینیان و علامه طباطبائی از معاصران بر این نظرند. در ادامه نظر علامه طباطبائی به طور خلاصه بیان خواهد شد.

خلاصه نظر علامه طباطبائی در عدم اعتبار خبر واحد تفسیری

خلاصه استدلال علامه طباطبائی بر عدم اعتبار خبر واحد در کشف معانی قرآن بر دو پایه استوار است:

۱. اعتبار و حجیت خبر واحد، جنبه تعبدی دارد یعنی دستور و قراردادی شرعی است نه ذاتی و این در مواردی امکان‌پذیر است که دارای اثر شرعی بوده باشد. از این‌رو در مورد عمل مکلفان قابل تصور است که تنها در باب فقه وجود دارد.
۲. خبر واحد، کاشفیت قطعی از واقع ندارد، لذا نمی‌تواند نه کاشف بیان معصوم باشد و نه کاشف مراد واقعی آیه. به علاوه، مستفاد از روایات عرض آن است که برای پی بردن به صحت مفاد خبر واحد می‌توان از قرآن بهره گرفت. اکنون که برای بهره گرفتن از قرآن لازم باشد که از خبر واحد استفاده کنیم، هر آینه صورت دور پیدا می‌کند. (معرفت، پاییز ۸۰، ص ۱۴۵ - ۱۴۴؛ انواری، آبان ۸۲، ص ۸۲؛ طباطبائی، بی تا، ص ۶۴ - ۶۳)

۳-۳. اعتبار و حجیت خبر واحد به طور مطلق (هم در فقه و هم در تفسیر)

معتقدان به این نظریه یا با گسترش مفهوم حجت بودن خبر واحد یا با تکیه بر مسدود بودن باب علم و علمی و یا از راه دلیل عقلی و بنای عقلا به این نظر رسیده‌اند.

از قائلان این نظریه آیت الله خویی و آیت الله معرفت هستند. (انواری، آبان ۸۲، ص ۸۳ - ۸۱)

در ادامه نظر آیت الله خویی مطرح شده و تفاوت بین نظر آیت الله معرفت و ایشان بیان خواهد شد.

۳-۳-۱. نظر آیت الله خویی درباره حجیت خبر واحد معتبر

تبادر حجت بودن خبر واحدی که راوی مورد وثوق از معصومین نقل می‌کند درباره تفسیر قرآن اشکال می‌شود و وجه اشکال آن است که معنای حجیتی که برای خبر واحد یا دیگر دلیلهای ظنی ثابت شده، این است که واجب است در صورت جهل به واقع، آثار واقع را بر آن بار کنیم، همچنان که اگر به واقع، قطع پیدا می‌نمودیم و این امر تحقق پیدا نمی‌کند مگر موقعی که مفاد خبر، حکم شرعی باشد یا موضوعی باشد که شارع بر آن حکم شرعی بار نموده است و این شرط در خبر واحدی که در باب تفسیر از معصومین (علیهم السلام) نقل می‌شود، یافت نمی‌گردد.

این اشکال خلاف تحقیق است، زیرا معنای حجیت در اماره ناظر به واقع این است که آن اماره به حسب حکم شارع، علم تعبدی محسوب می‌شود، در نتیجه طریق معتبر مثل خبر واحد فردی از افراد علم است ولی فرد تعبدی نه وجدانی بنابراین همه آثاری که بر قطع بار می‌شود بر چنین عملی نیز بار می‌شود و می‌توان بر طبق علم وجدانی خبر داد و این خبر دادن سخن بدون علم نیست.

دلیل بر این امر، سیره عقلا است، زیرا ایشان با طریق معتبر، معامله علم وجدانی می‌کنند و میان آثار آنها فرق نمی‌گذارند از باب مثال از نظر عقلا، ید، اماره مالکیت صاحب ید بر اموالی است که در اختیار او قرار دارد و ایشان بر چنین یدی آثار

مالکیت بار می‌کنند و از مالک بودن او خبر می‌دهند. کسی این امر را انکار نمی‌کند و از ناحیه شارع هم این سیره عقلاییه، مردود شناخته نشد». (خویی، ۱۴۳۰ ق، ص ۳۹۹-۳۹۸)

۲-۳-۳. نقد نظر آیت الله خویی توسط آیت الله معرفت

در کلام آیت الله خویی تنها جای مناقشه آنجاست که اعتبار خبر واحد را از باب علم تبعیدی شمرده است در مقابل علم وجدانی، البته با وحدت اثر. در صورتی که مبنای اعتبار خبر واحد ثقه، جز بنای عقلا چیز دیگری نمی‌تواند باشد که نقش شارع تنها جنبه امضایی دارد این اعتبار از جانب عقلا و امضای شارع به جنبه کاشفیت تام آن بستگی دارد که تعبد مطلقاً در آن راه ندارد.

به هر حال از روز نخست تاکنون بزرگان اسلام، نسبت به خبر واحد ثقه با دید اعتبار نگرسته‌اند و در تمامی زمینه‌ها مورد استفاده بوده است. (معرفت، پاییز ۸۰، ص ۱۴۶)

۳-۳-۳. اعتبار روایات آحاد معتبر از نظر آیت الله معرفت

اعتبار خبر واحد ثقه، جنبه تبعیدی ندارد بلکه از دیدگاه عقلا جنبه کاشفیت ذاتی دارد که شرع نیز آن را پذیرفته است. بنای انسان‌ها بر آن است که بر اخبار کسی که مورد ثقه است، ترتیب اثر می‌دهند و همچون واقع معلوم با آن رفتار می‌کنند و این نه قراردادی است و نه تعبد محض، بلکه همان جنبه کاشفیت آن است که این خاصیت را به آن می‌بخشد. شارع مقدس - که خود سرآمد عقلا است - بر همین شیوه رفتار کرده و خرده‌ای نگرفته، جز مواردی که خبر آورنده انسان فاقد تعهدی باشد که قابل اطمینان نیست و بدون تحقیق نباید به گفته او ترتیب اثر داده شود. پس اعتبار خبر واحد ثقه نه مخصوص فقه و احکام شرعی است و نه جنبه تبعیدی دارد بلکه اعتبار آن عام و در تمامی مواردی است که عقلا از جمله شرع، کاربرد آن را پذیرفته‌اند.

از این رو، اخبار عدل ثقه از بیان معصوم، چه پیرامون تفسیر قرآن و چه دیگر موارد، از اعتبار عقلایی مورد پذیرش شرع برخوردار است و کاشف و بیانگر بیان معصوم است و حجیت دارد و همانند آن است که شخصاً و مستقیماً از معصوم تلقی شده باشد.

اساساً اگر اخبار عدل ثقه را در باب تفسیر، فاقد اعتبار بدانیم، از تمامی بیانات معصومین و بزرگان صحابه و تابعین، محروم می‌مانیم و فایده بهره‌مند شدن از بیانات این بزرگان، منحصر در عصر حضور می‌گردد که یک محرومیت همیشگی را به دنبال دارد. (معرفت، پاییز ۸۰، ص ۱۴۵؛ قاضی زاده، جعفری، بی تا، ص ۱۲؛ ناصح، مهرماه ۹۸، www.rasekhoon.net؛ ناصح، بی تا، ص ۸۵ - ۸۰)

۴-۳-۳. تفاوت دیدگاه آیت الله معرفت با سایر علما

تفاوتی که دیدگاه ایشان با دیدگاه دیگر دانشمندان و به ویژه آیت الله خویی دارد از دو جهت است:

۱-۳-۳. تفاوت دانستن معنای حجیت در اخبار تفسیری و روایات فقهی

آیت الله معرفت با جداسازی امور عملی و امور ناظر به واقع و خارج، حجیت در امور واقعی و خارجی را به معنای کاشفیت دانسته است، به این معنا که وقتی در فقه گفته می‌شود این روایت حجت است یا خیر، به این معناست که آیا این روایت نسبت به عمل مکلف، منجز و معذر است یا خیر؟ به عبارت دیگر، آیا وجود یک روایت در مسئله‌ای فقهی، موجب بار شدن حکم بر انجام یک عمل می‌شود؟ و آیا در صورت عمل مکلف براساس آن روایت، معذور است؟ ولی هنگامی که در تفسیر، تاریخ یا

اعتقادات گفته می‌شود که آیا این روایت حجت است یا خیر به این معناست که آیا این روایت کاشف از معنای آیه است؟ یا آیا این روایت اثبات کننده این مطلب معرفتی و اعتقادی است؟ (معرفت، ۱۳۸۷ش، ج ۱/ص ۱۲۶؛ معرفت، پاییز ۸۰، ص ۱۴۵)

بنابراین از آنجا که آیت الله معرفت تفسیر را مربوط به کشف واقع می‌داند، حجت بودن خبر واحد در تفسیر را نیز به معنای کاشفیت آن از واقع معنا می‌کند.

دقت در معنای خبر و کارکرد عرفی آن نشان دهنده ماهیت کاشفیت آن از واقع است زیرا کاربرد خبر در عرف عقلا برای کشف از واقع است. از این رو هر خبری درصدد بیان یک واقعیت است و آنگاه گوینده آن عادل و ثقة باشد، اصل آن است که این خبر، صادق باشد.

این تفکیک دقیق آیت الله معرفت میان اخبار تفسیری - که ماهیت خبری دارند و بیانگر معنای واقعی آیات قرآن هستند - و اخبار فقهی - که مربوط به عمل مکلفان است و به جهت انشایی بودن، جنبه کاشفیت از واقع در آن لحاظ نمی‌شود - موجب شده تا وی دیدگاهی نو و متفاوت از دیگر دانشمندان ارائه کند. (محمدی فرد، بی تا، ص ۷۱ - ۷۰)

۲-۴-۳. حجیت اخبار تفسیری براساس علم وجدانی نه علم تعبیدی

آیت الله معرفت پس از نقل و توضیح حجیت خبر واحد از دیدگاه آیت الله خویی، این اشکال را بر او وارد می‌کند که سیره عقلا به تنهایی، یگانه پشتوانه حجیت خبر واحد در تفسیر است نه اینکه به عنوان علم تعبیدی حجت باشد. به عبارت دیگر برخلاف آیت الله خویی که حکم شارع را دلیل بر نازل منزله علم شدن خبر واحد ظنی دانسته و پس از آن سیره عقلا را وارد کرده و می‌گوید سیره عقلا چنین است که علم تعبیدی را نیز همچون علم وجدانی، کاشف از واقع می‌داند و می‌گوید ابتدائاً سیره عقلا چنین است که ظن معتبر را کاشف از واقع می‌دانند ولی این سیره، توسط امامان معصوم تأیید و امضا شده است. به عبارت دیگر آیت الله معرفت خبر واحد را از جهت کاشفیت آن از واقع حجت می‌داند و قرار دادن دلیل علمی به جای علم را بر حسب اعتبار عقلا می‌داند نه اینکه عقلا در اعتنا به این گونه اخبار تعبد محض داشته باشند. (معرفت، ۱۳۸۷ش، ج ۱/ص ۱۲۶؛ معرفت، پاییز ۸۰، ص ۱۴۵)

آیت الله معرفت با توجه به دو مطلب فوق، یعنی کاشف از واقع بودن خبر تفسیری غیر تعبدی بودن حجیت آن، قائل است که تفکیک میان اقسام خبر از این جهت نادرست است، یعنی نمی‌توان برخی اقسام خبر واحد تفسیری را حجت دانست و برخی را حجت ندانست. به عبارت دیگر، اگر همچون شیخ طوسی و دیگران، این گونه اخبار را حجت ندانیم نه خبر تفسیری رسیده از اهل بیت (علیهم السلام) حجت است و نه خبر رسیده از صحابه. و اگر خبر واحد فی نفسه دارای کاشفیت از واقع است و حجت است نمی‌توان میان خبر واحد اهل بیت (علیهم السلام) و غیر ایشان تفاوت گذاشت و خبر صحابه را حجت ندانست، زیرا وقتی حجیت را به معنای کاشفیت از واقع دانسته و آن را غیر تعبدی دانستیم، پس هر خبری که از شخص معتبری که عادل و ثقة باشد، به ما برسد می‌تواند کاشف از واقع و بیانگر تفسیر آیه باشد حال چه آن شخص، اهل بیت (علیهم السلام) باشد یا صحابه طراز اول. البته باید به این مطلب توجه داشت که ایشان راه تشخیص حجیت روایات تفسیری را نقد محتوایی می‌داند که در ادامه خواهد آمد. بنابراین هر خبر تفسیری که از معصومان یا صحابه رسیده باشد، هنگامی حجیت دارد که گرهی از ابهام آیه را برطرف کند یا شبهه‌ای از آیه را بزدايد. (محمدی فرد، بی تا، ص ۷۲ - ۷۱)

۵-۳-۳. پاسخ به یک اشکال

برخی به نظر آیت الله معرفت اشکال وارد کرده و می‌گویند: «آیت الله معرفت روایت را در همه حوزه‌ها دارای اعتبار می‌داند در حالی که بر این سخن اشکالاتی وارد است از جمله اینکه ما می‌توانیم تمام روایات خبر واحد را بپذیریم ولو اینکه این روایات از شخص معتبری وارد شده باشند». (قاضی‌زاده، جعفری، بی تا، ص ۱۳)

در پاسخ به این اشکال باید گفت سخن آیت الله معرفت به این معنا نیست که ایشان همه روایات را پذیرفته و طبق آنها نظر داده باشند بلکه با اندک دقتی در تفسیر ایشان می‌توان دید که ایشان برخی از روایات را نقل کرده ولی با نقدی جامع و متین کنار می‌گذارد و برخی را که محتوای درست و قابل پذیرشی دارند ولو اینکه سند صحیحی نداشته باشند می‌پذیرند. بنابراین منظور ایشان از این سخن این است که خبر واحد ثقة هم در فقه و هم در تفسیر معتبر است نه به معنای پذیرش بالفعل همه اخبار آحاد. ایشان برای پذیرش و عدم پذیرش روایات معیارهایی بیان می‌کنند که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

۴. اعتبار روایات ضعیف از نظر آیت الله معرفت

خبرهایی که متواتر یا محفوف به قرائن یا خبر واحد معتبر نیست، اخبار ضعیفی است که یا سند یا محتوای آن اشکال دارد. این‌گونه اخبار از نظر عقلا قابل استناد نیست نه در فقه و نه در تفسیر و نه در زندگی روزمره. آیت الله معرفت نیز این‌گونه اخبار را در تفسیر معتبر نمی‌داند. ایشان اجماع ادعایی در مورد عدم حجیت خبر واحد را بر خبر واحد ضعیف موهون حمل کرده است. (معرفت، ۱۳۸۷ش، ج ۱/ص ۱۲۴؛ رضایی اصفهانی، بی تا، ص ۱۷۹).

نتیجه

۱. آیت الله معرفت معتقدند که احادیث پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام) اگر به صورت متواتر به دست ما برسد، منابع فقه و تفسیر به شمار خواهد آمد.
۲. ایشان خبر متواتر را علم‌آور دانسته و عمل به محتوای آن را واجب می‌داند و همچنین تفسیر قرآن بر طبق آن را لازم می‌داند.
۳. ایشان همچنین معتقدند که روایات غیرمتواتر اگر قرائنی به همراه داشته باشند موجب علم خواهد بود و به روایات متواتر ملحق می‌شوند.
۴. ایشان نشانه‌های علم به صدور روایت را چهار مورد بیان کرده است: روایت مطابق دلیل عقلی باشد، روایت مطابق ظاهر قرآن باشد، روایت مطابق اجماع مسلمانان یا اجماع شیعه باشد، روایت مطابق سنت قطعی باشد.
۵. ایشان خبر واحدی که معتبر نیست یا قرائنی به همراه نداشته باشد یا سند یا محتوای درستی ندارد را حجت نمی‌داند.
۶. ایشان اجماع ادعایی در عدم حجیت خبر واحد را بر خبر واحد ضعیف موهون حمل می‌کند.
۷. ایشان خبر واحد ثقة را معتبر دانسته و دلیل آن را کاشفیت آن از واقع می‌داند.
۸. آیت الله معرفت خبر واحد ثقة را هم در فقه و هم در تفسیر حجت می‌داند و دلیل آن را مستند به سیره عقلا می‌داند که از جانب معصوم امضا و تأیید شده است.
۹. ایشان معتقد است که اگر خبر واحد ثقة را در تفسیر فاقد اعتبار بدانیم از همه بیانات معصومین و بزرگان صحابه و تابعین محروم می‌مانیم.
۱۰. ایشان با اینکه خبر واحد ثقة را حجت می‌داند ولی در بسیاری مواقع روایاتی را رد می‌کند و کنار می‌گذارد و به این معنا نیست که همه روایات ثقة را به صورت بالفعل بپذیرد.

منابع

الف: کتاب های فارسی

۱. طباطبایی، محمدحسین (بی تا). قرآن در اسلام. بی جا: ناشر مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان.

ب: کتاب های عربی

۲. خویی، ابوالقاسم (۱۴۳۰ق). البیان فی تفسیر القرآن (چاپ اول). قم: ناشر موسسه احیاء آثار الامام الخوئی.

۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ق). الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، تهران: ناشر دارالکتب الاسلامیه.

۴. _____ (۱۴۱۷ق). العده فی الاصول (چاپ اول). قم: ناشر تیزهوش.

۵. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۷ش). التفسیر الاثری الجامع (چاپ اول). قم: ناشر موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.

ج: مقالات

۶. انواری، جعفر (آبان ۱۳۸۲)، «اعتبار روایات معصومان (علیهم السلام) در تفسیر قرآن»، معرفت، شماره ۷۱.

۷. رضایی اصفهانی، محمدعلی، «اعتبارسنجی روایات تفسیری با تأکید بر دیدگاه آیت الله معرفت»، حدیث پژوهی، شماره ۸، سال چهارم.

۸. قاضی زاده، کاظم، جعفری، مریم (بهار و تابستان ۱۳۹۰)، «تحلیل تفاوت دیدگاه های قایلان به حجیت اخبار آحاد در حوزه تفسیر»، علوم حدیث، شماره اول و دوم، سال شانزدهم.

۹. محمدی فرد، علی رضا (تابستان ۱۳۹۶)، «مقایسه ارزش تفسیری اخبار صحابه و تابعان و روایات اهل بیت (علیهم السلام) در التفسیر الاثری الجامع»، پژوهش های قرآنی، شماره ۲، سال بیست و دوم.

۱۰. معرفت، محمدهادی (پاییز ۱۳۸۰)، «کاربرد حدیث در تفسیر»، الهیات و حقوق، شماره ۱.

۱۱. ناصح، علی احمد (بهار ۱۳۸۴)، «جایگاه روایت در تفسیر قرآن با تأکید بر دیدگاه آیت الله معرفت»، پیام جاویدان، شماره ۶، سال دوم.

۱۲. _____ (بی تا)، «حجیت روایات تفسیری از دیدگاه آیت الله معرفت»، راسخون، www.rasekhoon.net.